

فهرست

۲	کلیسا و رازهای مقدس آن
۴	غسل تعمید
۶	تائید
۸	سپاسگذاری
۱۲	توبه و مصالحه
۱۴	تدهین بیماران
۱۶	مناصب مقدس
۱۹	ازدواج

کلیسا و رازهای مقدس آن

۱۵- زندگی در مسیح: رازهای مقدس کلیسا

«من تا ابد با شما هستم»؛ این وعده‌ای بود که مسیح قیام کرده به شاگردانش داد. در روز پنطیکاست بود که ایشان پی بردند که مسیح این وعده را از چه طریقی تحقق می‌بخشد. ایشان با الهام روح القدس، به خیابانها بیرون رفتند و پیام انجیل را به همگان اعلام کردند. این پیام می‌بایست به گوش همه برسد: «عیسی ناصری که بر صلیب آویخته و کشته شد، هم او خداوند و مسیح موعود است. او زنده شده است. خدا او را از مردگان برخیزانید و در جایگاه جلال بر دست راست خود نشانید. و او در جلال باز خواهد گشت. به او و به انجیلی که به شما اعلام می‌داریم، ایمان آورید!»

بدینسان هر جا که خبر خوش انجیل اعلام می‌شد، جامعه ایمانداران تشکیل می‌شد و رشد می‌کرد. قوم جدیدی برای خدا بوجود آمد، یعنی کلیسای عیسی مسیح. اعضای این جامعه به مسیح پیوند خورده‌اند، همانگونه که اندامهای بدن به بدن، و شاخه‌های تاک به ساقه آن پیوند خورده‌اند. اکنون مسیح از طریق این اندامها و در آنها کار می‌کند.

خداوند مقرر فرموده است که کلیسایش در میان مردم باشد و با ایشان رازهای مقدس را برگزار نماید، تا به این شکل، نشان دهد که خدا همه را دوست می‌دارد و مشتاق است که عطای نجات را به آنان ارزانی دارد. کلیسا خودش نشان محبت و نزدیکی خدای نادیده به بشر می‌باشد. کلیسا راز اولیه است که از آن سایر رازها جاری می‌شود؛ کلیسا این رازها را به آنانی عرضه می‌دارد که معترف و متعهد به ایمانی هستند که از زمان رسولان توسط کلیسا انتقال یافته است.

کلیسا خودش راز است، یعنی نشان و ابزاری است برای شراکت با خدا و اتحاد میان انسانها.

شورای دوم واتیکان - اساسنامه جزمی کلیسا - ۱

۱۵-۱: هفت راز مقدس

کلیسا هفت راز را برگزار می‌نماید که میراث مقدس خداوندش می‌باشند. اینها به زندگی و ایمان هر فرد مسیحی ارتباط دارند. مسیح در این رازها و از طریق آنها، خود را به انسان ارزانی می‌دارد. با دریافت چنین عطا‌هایی، در ایمان و امید خود تقویت می‌شویم، و یقین حاصل می‌کنیم خدا را دوست می‌داریم و او نیز ما را دوست می‌دارد.

وقتی کلیسا این رازها را به جا می‌آورد، صرفاً کلماتی در باره نجات و تعلق ما به خدا بیان نمی‌کند؛ این رازها در واقع نشانه‌هایی نتیجه‌بخش و عمل‌کننده می‌باشند، یعنی در عمل باعث می‌شوند که ما متعلق به خدا گردیم، و همچنین نجات را به ما ارزانی می‌دارند.

از پُری او جمیع ما بهره یافتیم،

و فیض به عوض فیض.

انجیل یوحنا ی قدیس ۱۶:۱

راز: راز نشانه‌ای بیرونی است از نجاتی که عیسی مسیح به کلیسایش اعطا کرده است؛ راز، تعهد یا دلیلی است بر اینکه او واقعاً در کلیسا و با کلیساست. «تعمید» ما را عضو کلیسای مسیح می‌سازد. در «تأئید»، نوجوانان از طریق عطا‌های روح‌القدس تقویت و تقدیس می‌شوند. «سپاسگزاری» (عشاء ربانی) ما را در حیات خداوندان سهیم

می‌گرداند و سبب می‌شود که مسیحیان در یک جامعه به یکدیگر پیوند بیابند. وقتی مرتکب گناهی می‌شویم، راز «توبه» (اعتراف به گناه) آموزش و مصالحه با خدا و کلیسا را برایمان به ارمغان می‌آورد. «تدهین بیماران» به ایشان امید و قوت و دلگرمی می‌بخشد. راز «مناصب مقدس»، شماسان و کشیشان و اسقفان را به خدمات خاص کلیسایی منصوب می‌کند. از طریق راز «ازدواج»، زوجین به یکدیگر قول عشق و وفاداری می‌دهند؛ پیوند ایشان تصویری است از شراکت در مسیح. رازها نشانه‌هایی دیدنی از واقعیت نادیدنی نجات می‌باشند. از آنجا که آنها را خدا اعمال می‌کند، پس می‌توانند واقعیتی را که مظهرش می‌باشند، در عمل به تحقق برسانند.

آیین: «کلیسا، مادر مقدس ما... آیینهایی را مقرر فرموده است. این آیینها نشانه‌های مقدسی هستند که تشابهی با رازها دارند. آنها جلوه‌هایی هستند با ماهیت خاص روحانی که با وساطت کلیسا بدست می‌آیند. از طریق آنها انسان می‌تواند اثربخشی مهم رازها را دریافت کند؛ همچنین موقعیت‌های مختلف زندگی توسط آنها تقدیس می‌گردد» (شورای دوم واتیکان، اساسنامه نیایش مقدس، بند ۶۰). کلیسا آیینها را مقرر کرده است تا برخی خدمات‌ها و موقعیت‌های زندگی مسیحی‌مان، و نیز استفاده از بعضی اشیاء را تقدیس کند. این آیینها معمولاً مستلزم دعا هستند و اغلب همراه می‌باشند با حرکاتی خاص (نظیر نهادن دست، کشیدن نشان صلیب، پاشیدن آب مقدس). یکی از آیینها «وقف» است؛ این آیین زمانی انجام می‌شود که یک شخص (مثلاً راهبه‌ای در صومعه) یا یک شیء (قربانگاه، ساختمان کلیسا،

زنگ کلیسا) را به طور انحصاری به خدمت خدا اختصاص می دهند. آیین دیگر، «آیین برکت دادن» است و زمانی انجام می پذیرد که اشخاص (کودکان، مسافران، زائران) یا اشیاء (خانه، غذا، خودرو، حیوانات) را به حفاظت الهی می سپارند.

راز اول: غسل تعمید

۱۵-۲: تعمید

وقتی در روز پنطیکاست، پطرس ایستاد و با مردم سخن گفت، بسیاری از شنوندگان عمیقاً تحت تأثیر قرار گرفتند. ایشان از پطرس و سایر رسولان پرسیدند که چه باید بکنند. پطرس به آنان گفت: «توبه کنید و هر یک از شما به اسم عیسی مسیح به جهت آمرزش گناهان تعمید گیرید و عطای روح القدس را خواهید یافت» (ر.ش. اعمال ۲: ۳۷-۳۸). اما این جامعه جدید ایمانداران، یعنی کلیسا، فقط در میان یهودیان رشد نکرد.

در کتاب اعمال رسولان (۲۶: ۸-۴۰)، لوقای قدیس ماجرای را در باره فیلیپس، یکی از هفت شماس اولیه، بازگو می کند. فیلیپس تحت هدایت روح القدس به جاده ای که به غزه منتهی می شد، رفت. ناگاه اراهه ای دید که شخصیت مهمی از دربار حبشه در آن نشسته بود. آن شخص برای عبادت به معبد بزرگ در اورشلیم رفته بود و اکنون به زادگاه خود باز می گشت. او مشغول مطالعه بخشی از کتاب اشعای نبی بود. فیلیپس که شنید آن مرد بیگانه چه می خواند، از او پرسید: «آیا می فهمی آنچه را می خوانی؟» مرد حبشی در پاسخ گفت: «چگونه می توانم؟ مگر آنکه کسی مرا هدایت کند.» سپس از فیلیپس خواهش کرد که سوار اراهه شود و نوشته نبی را شرح دهد. فیلیپس سوار شد و شرح داد که چگونه سخنان اشعیا در زندگی عیسی مسیح جامه عمل پوشید. او گفت که عیسی می خواست انسان را با خدا آشتی دهد. اما مردم او را رد کردند. او رنج را تحمل کرد و مقاومتی ننمود، حتی با مرگ صلیب نیز مقاومتی نکرد. او همچون بره ای که برای ذبح می برند، کشته شد. اما خدا او را زنده کرد. او اکنون زنده است و پیروانش، از جمله فیلیپس، شاهد بر این واقعیت می باشند. او اکنون نجات دهنده بشریت است. هر که ایمان بیاورد که عیسی همان مسیح موعود و نجات دهنده است، و تعمید بیابد، انسان جدیدی می شود؛ مسیحی می شود.

در حین راه، ناگاه به آبی رسیدند؛ مرد حبشی گفت: «اینک آب است! از تعمید یافتنم چه چیز مانع می باشد؟» فیلیپس با او وارد آب شد و او را در نام پدر و پسر و روح القدس تعمید داد. این مرد نخستین مسیحی آفریقایی بود

تعمید رازی است که همه مسیحیان باید آن را انجام دهند؛ تعمید ما را از گناه اولیه شستشو می‌دهد. کلیسا راز تعمید را با اختیار و اقتدار خداوند ما به انجام می‌رساند: «همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم آب و این و روح‌القدس تعمید دهید» (متی ۱۹:۲۸).

تعمید میان عیسی مسیح و فرد مسیحی رابطه‌ای شخصی برقرار می‌سازد. در ضمن، ما را جزئی از جامعه ایمانداران یعنی کلیسا، می‌سازد. تعمید، آموزش گناهان ما را عملی می‌سازد و آغازگر زندگی نوین ما در مقام برادران و خواهران عیسی مسیح، و پسران و دختران خدا می‌باشد. از اینروست که تعمیدگرفتنگان در دعا می‌گویند: «ای پدر ما که در آسمانی».

تعمید نقطه آغاز است، هدیه‌ای است که خدا از پیش می‌دهد، و ما باید تمام عمر خود را صرف تلاش برای جبران آن بکنیم: «با وی در تعمید مدفون گشتید که در آن هم برخیزانیده شدید به ایمان بر عمل خدا که او را از مردگان برخیزانید» (کولسیان ۲:۱۲).

هر کسی می‌تواند تعمید یابد؛ و هر کسی هم می‌تواند تعمید دهد، حتی آنانی که خودشان تعمید نیافته‌اند، به شرطی که نیتشان همان نیت کلیسا باشد. تعمید تا ابد معتبر است. هیچکس نمی‌تواند آن را باز پس گیرد، و هیچ گناهی نیز نمی‌تواند عهده‌ی را که تعمید آن را مَهر کرده است، باطل سازد. کسانی که در بزرگسالی تعمید می‌گیرند، نخست باید مدت زمانی را صرف کسب آمادگی کنند تا اصول ایمان را فرا گیرند. ایشان باید در کلیسا رشد کنند. وقتی والدین و پدرخوانده‌ها، کودکی را برای دریافت تعمید می‌آورند، در واقع اعلام می‌کنند که مایلند به او نه فقط عطای زندگی، بلکه عطای ایمان را نیز انتقال دهند؛ در اینصورت ایشان باید قول دهند که فرزندشان را در طریقت ایمان همراهی و هدایت کنند. در مراسم شب عید قیام، تمامی ایمانداران، چه بزرگسال و چه خردسال، تعهدی را که به‌هنگام تعمید داده‌اند، تجدید می‌کنند.

در طول شب عید قیام، آبهای تعمید با این دعا برکت داده می‌شود:

«ای پدر،

اینک با محبت به کلیسایت بنگر،

و چشمه تعمید را برای او بگشا.

با قدرت روح‌القدس

فیض پسرت را

به آب این چشمه ببخشای.

تو انسان را به شباهت خود آفریدی:

پس او را از گناهانش
با آب و روح القدس
در تولد تازه بی گناهی بشوی.»

تعمید: کلمه یونانی که به فارسی تعمید ترجمه شده، به معنی «فرو کردن» در آب می باشد، در این عنصر حیات بخش.

اگر شخصی بدون دریافت تعمید در راه مسیح شهید شود، «تعمید خون» را یافته است. تعمید دیگری نیز هست به نام «تعمید نیت» که مربوط به اشخاصی می شود که نیکوکارند و جان خود را فدای هموعان خود می سازد و بدینسان، دانسته یا نادانسته، مسیح را پیروی می کند. ما همچنین معتقدیم که وقتی کودکان بدون تعمید از این جهان می روند، خدای رحیم اجازه نمی دهد که ایشان از دستهای پرمهرش خارج شوند.

تعمید به این شکل انجام می شود: تعمیددهنده سه بار آب را بر سر داوطلب می ریزد و در حین این کار می گوید: «من تو را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید می دهم.»

راز دوم : تأیید

۱۵-۳: تأیید

راز تأیید امروزه تقریباً به همان صورتی به جا آورده می شود که در زمان رسولان مرسوم بود. اسقف یا نماینده رسمی او دستهای خود را به منظور تأیید بسوی داوطلبان دراز می کند و دعا می کند تا عطای روح القدس به ایشان داده شود. سپس دست خود را بر هر فرد می گذارد و او را به نام مخاطب قرار داده، می گوید: « با روح القدس، عطای خدا، مُهر شو!» آنگاه پیشانی داوطلب را با روغن مقدس تدهین می کند و به این شکل، او را با روح خدا مُهر می نماید تا همه ببینند که او متعلق به چه کسی است، درست همانطور که در گذشته برده ها را از مُهرشان باز می شناختند. کسانی که به این ترتیب مورد تأیید قرار می گیرند، عهد تعمید خود را تجدید می کنند و اعتقادنامه را می خوانند.

در کلیسای غرب، راز تأیید به نوجوانانی که در کودکی تعمید یافته بودند، به عنوان «راز ورود به بزرگسالی» اعطا می شود، زیرا در آن زمان، اعتراف اولیه ایمان را والدین و پدرخوانده هایشان از طرف ایشان اقرار کرده بودند. اما اکنون که برای زندگی و اعمال خودشان شروع به قبول مسؤلیت می کنند، می توانند به عضویت در جامعه ایمان که قبلاً در آن تعمید یافته بودند، «آری» بگویند.

ایشان به مسیح «آری» می‌گویند و به این شکل، آمادگی خود را برای شهادت دادن در مورد او و عدم انکار ایمان اعلام می‌دارند.

ایشان آمادگی خود را اعلام می‌دارند که از کلیسا و برادران ایمانی خود حمایت کنند. تأیید نیز مانند تعمید، خصوصیتی روحانی به روح انسان می‌بخشد که همچون مَهر و نشانی نازدودنی است. فیض روح القدس شخص تأییدشده را قدرت می‌بخشد تا نمک جهان و نور عالم گردد (متی ۵: ۱۳-۱۴) و با زندگی و اعمالش بر مسیح شهادت دهد تا همه ببینند و اعتراف کنند که اینها گفتار و کردار یک مسیحی است.

ما ایمان داریم به روح خدا

که به ما فیض می‌بخشد

تا بدور از خشونت زندگی کنیم،

تا از فقرا دستگیری کنیم،

تا از ضعفا پشتیبانی نماییم،

تا شادی به ارمغان بیاوریم،

تا خدا را خدمت کنیم.

ما ایمان داریم به روح عیسی مسیح

که ما را به حرکت وا می‌دارد

تا همچون برادران زندگی کنیم،

تا عادات خود را تغییر دهیم،

تا بر تعصبات خود چیره شویم،

تا امید را بر افروزیم،

تا همگان ببینند

که ما پسران و دختران خدا هستیم، فرزندان او.

تأیید: «راز تأیید باعث تکمیل فیض تعمید می‌گردد؛ این رازی است که روح القدس را ارزانی می‌دارد تا در فرزندی خدا ریشه‌ای عمیق‌تر بدوانیم، و ما را در مسیح استوارتر می‌سازد، و پیوند ما را با کلیسا تقویت کرده، با مأموریت آن متحد می‌نماید، و کمک می‌کند تا بر ایمان مسیحی مان در گفتار همراه با کارهایمان شهادت دهیم» (اصول اعتقادات کلیسای کاتولیک، بند ۱۳۱۶).

بزرگسالانی که تأیید می‌شوند، همزمان در راز شکرگزاری نیز شرکت می‌نمایند. هر جا که تعمید کودکان مرسوم باشد، تأیید را معمولاً در مورد نوجوانان اجرا می‌کنند تا نشانی باشد بر اینکه به بزرگسالی گام نهاده‌اند و قادرند برای خود اتخاذ تصمیم کنند. در کلیسای شرق (ارتودکس - م) راز تأیید را درست پس از تعمید و همراه با عشاء ربانی اجرا می‌کنند.

راز سوم: سپاسگزاری یا عشا

۱۵-۴: راز مقدس سپاسگزاری

راز مقدس سپاسگزاری قلب و مرکز تمام نیایش کلیساست، زیر در آن، هر روزه و در سراسر جهان، کلیسا فرمانی را به اجرا در می‌آورد که عیسی در شبی که می‌رفت تا رنج بکشد، به رسولانش داد. او به ایشان فرمود: «این را به یادگاری من به جا آرید.» بدینسان، این رسم ریشه در یادگاری شام آخر عیسی دارد، یعنی در سستی مقدس، درست همانطور که پولس قدیس می‌فرماید:

«زیرا من از خداوند یافتم آنچه به شما نیر سپردم که عیسی خداوند در شبی که او را تسلیم کردند، نان را گرفت و شکر نموده، پاره کرد و گفت: "بگیرید بخورید. این است بدن من که برای شما پاره می‌شود. این را به یادگاری من به جا آرید." و همچنین پیاله را نیز بعد از شام و گفت: "این پیاله عهدجدید است در خون من. هرگاه این را بنوشید، به یادگاری من بکنید."»

(رساله اول پولس قدیس به قرنتیان ۱۱: ۲۳-۲۵)

کلیسا، یعنی تک تک جوامع و مشارکت‌های مسیحی در یک محل، راز سپاسگزاری را در مقام جامعه‌ای پرستشی و تمجیدی، و در مقام جامعه‌ای که در رازها سهیم است، و نیز در مقام جامعه‌ای که به‌واسطه قربانی عیسی مسیح پدید آمده است، به‌جا می‌آورد. به این شکل، آنچه کلیسا انجام می‌دهد، بسیار فراتر از زنده نگاه داشتنِ خاطره و یادگارِ کاری است که خدا از طریق عیسی مسیح برای ما انجام داد. به‌هنگام اجرای این راز، مسیح خودش واقعاً حضور می‌یابد. ما نیز با شرکت در این راز، به‌طور کامل مسیحی می‌شویم.

نان را برای یکدیگر پاره کنید،
با یکدیگر سهیم شوید،
از یکدیگر بپذیرید،
به یکدیگر گوش فرا دهید،
به یکدیگر نزدیک شوید،
در مقابل یکدیگر فروتن شوید،
به یکدیگر کمک کنید،
یکدیگر را در آغوش بگیرید،
همانگونه عمل کنید که او کرد.

آیین قربانی مقدس (The Holy Mass) به چهار بخش تقسیم می‌شود:

۱- آیینهای سرآغاز شامل سرود سرآغاز، سلام، آیین توبه، دعای «خداوندا، بر ما رحم کن»، سرود «شکوه و جلال»، و دعای سرآغاز.

۲- آیین کلام خدا شامل سه قرائت از کتابمقدس می‌گردد؛ نخستین قرائت از عهدعتیق یا از کتاب اعمال رسولان، دومین از رسالات (یعنی نامه‌های) رسولان، و آخرین از انجیل‌ها می‌باشد. سپس کشیش به نام کلیسا به تشریح کلام خدا می‌پردازد تا هر یک از ما دریابد که در این عصر چگونه همچون یک مسیحی زندگی کند. در روزهای یکشنبه یا در اعیاد خاص، جماعت اعتقادنامه را می‌خوانند. طی «دعای ایمانداران» جماعت نیازهای خاص خود را به پیشگاه خدا تقدیم می‌نمایند.

۳- در آیین «سپاسگزاری» عبادت‌کنندگان ضیافت مقدس خداوندشان را برگزار می‌نمایند. جماعت دور خوان خداوند (قربانگاه) گرد می‌آیند. کشیش که از جانب مسیح سخن می‌گوید، دعای آیین سپاسگزاری را می‌خواند. این آیین با دعای بزرگ شکرگزاری (دیباجه) آغاز می‌شود، و با «آمین» از سوی تمام جماعت خاتمه می‌یابد. کشیش به نام عیسی مسیح و با اختیاری که در خدمتش دارد، آنچه را که عیسی انجام داد و گفت، به‌انجام می‌رساند. به این ترتیب، هنگامی که کلمات تقدیم را ادا می‌کند، عطایای نان و شراب که به قربانگاه آورده‌ایم، تبدیل به بدن و خون خداوند ما عیسی مسیح می‌گردد. این «راز ایمان» ماست.

کشیش نان را بر می گیرد و می گوید:

بگیرید و همه از این بخورید

این تن من است

که از بهر شما تسلیم می شود.

کشیش جام را بر می گیرد و می گوید:

بگیرید و همه از این بنوشید

این جام خون من است،

خون پیمان جدید و جاودانی

که از بهر شما و همه آدمیان

برای بخشایش گناهان ریخته می شود،

این را به یاد من بجای آورید.

ایمانداران دعای ربانی ("ای پدر ما") را می خوانند و بدن مسیح را دریافت می دارند. در این «ضیافت فصح»، شراکت ما با خداوند جلال یافته مان تبدیل به واقعیتی زنده می گردد. با این عمل، ما برآستی در قربانی او سهیم می گردیم. او بر صلیب، مصالحه و آمرزش گناهان ما را تحقق بخشید. در این آیین، او خودش تبدیل به «قربانی» شد و به این شکل، «عهد جدید» را با خون خود بنیان گذارد. هر که در این عهد زندگی می کند، فرا خوانده می شود تا وجود خود را برای خدا و هموعانش بدهد، همانگونه که خداوند کرد.

۴- آیین قربانی مقدس با «برکت فرجامین» از سوی کشیش و کلمات مربوط به «روانه ساختن» جماعت به پایان می رسد. کشیش می گوید: «در آرامش خداوند بروید. آمین.»

ای خداوند عیسی مسیح،

تو آن نانی هستی که حیات می بخشد،

تو آن نانی هستی که ما را برادر می سازد،

تو آن نانی هستی که پدر به ما عطا می فرماید.

تو آن راهی که ما انتخاب کرده ایم،

تو آن راهی که از میان رنجها می گذرد،

تو آن راهی که به شادی منتهی می‌شود.
بلی، بی‌گمان، سزاوار است که تو را بسراییم،
تو را بستاییم و سپاست گوئیم،
تو را در هر کجا که سلطنت می‌کنی، پرستیم.
حضرت یوحنا زرین‌دهان (وفات ۴۰۷)

راز سپاسگزاری: واژه **Eucharist** به زبان یونانی به معنی «سپاسگزاری» است. این نام به تمام آیین قربانی مقدس (Mass) اطلاق می‌شود. اما در عین حال، این کلمه توصیف‌کننده بخش دوم قربانی مقدس می‌باشد که همراه با دعای «سپاسگزاری» است، و از «آیین کلام خدا» متمایز است. همچنین کلمه «سپاسگزاری» برای «میزبان» تقدیس شده‌ای به کار می‌رود که معمولاً در طول قربانی مقدس دریافت می‌داریم و در همه اوقات با احترامی عمیق او را حرمت می‌کنیم (توجه: مطمئن نیستم که مقصود این جمله را درست فهمیده باشم. لطفاً با انگلیسی چک بفرمایید. مترجم) وقتی می‌خواهیم روشن سازیم که «قربانی عیسی مسیح» در راز مبارک «سپاسگزاری» حضور دارد، آن را «قربانی مقدس Mass» می‌نامیم. کلمه Mass (مرخص کردن) به پایان کل مراسم اشاره دارد که طی آن ایمانداران «مرخص» می‌شوند (بیرون فرستاده می‌شوند) تا در اوضاع و شرایط روزمره زندگی‌شان، شاهدان عیسی مسیح گردند.

آیین کلام خدا: این عبارت به نخستین بخش آیین قربانی مقدس (Mass) اشاره دارد، اما در ضمن، برای سایر مراسم مذهبی خارج از آیین قربانی مقدس نیز به کار می‌رود که طی آنها بخشهایی از کتابمقدس قرائت و تشریح می‌شود.

تقدیم: این فرمایشهای خداوند ما که فرمود: «این تن من است» و «این خون من است» فقط حالت تمثیلی یا استعاری ندارد. ما ایمان داریم که به‌هنگام برگزاری راز «سپاسگزاری»، نان و شراب که هدایای ما هستند، برآستی به تن و خون عیسی مسیح خداوند ما تبدیل می‌شوند، بدون اینکه در شکل بیرونی و قابل رؤیت آنها تغییری صورت گیرد. ما ایمان داریم که در راز سپاسگزاری، «خداوند ما عیسی مسیح، آن خدای راستین و انسان راستین، حقیقتاً و واقعاً و ماهیتاً در قربانی کفاره‌کننده سپاسگزاری مقدس، تحت ظاهر آن چیزها که برای ادراک ما محسوسند، جای می‌گیرد» (شورای ترنٹ، ۱۵۴۵-۱۵۶۳). این راز ایمان ما همان است که «حضور واقعی» مینامیمش

قربانی: «به هنگام شام آخر... نجات‌دهنده ما قربانی سپاسگزارانه تن و خون خود را بنیاد نهاد. هدف او این بود که قربانی صلیب را در طول قرون و اعصار تداوم بخشد تا روزی که باز آید، و بدینسان یادگار مرگ و قیام خود را به... کلیسا به ودیعت نهد» (شورای دوم واتیکان، اساسنامه آیین مقدس عبادی، بند ۴۷).

راز چهارم: توبه و مصالحه

۱۵-۵: توبه و مصالحه

در آغاز مراسم قربانی مقدس، با یکدیگر می‌گوییم: «من به خدای قادر مطلق، و به شما ای برادران و خواهران، اعتراف می‌کنم که به تقصیر خودم، در پندار و گفتار، در آنچه کرده‌ام و در غفلت از آنچه می‌بایست می‌کردم، مرتکب گناه شده‌ام. از این رو از مریم خجسته، آن همیشه‌باکره، و از فرشتگان و مقدسین، و از شما، برادران و خواهران، درخواست می‌کنم که به درگاه خدا برای من دعا کنید.»

ما اینچنین دعا می‌کنیم زیرا تک تک ما می‌دانیم که انسانی بیش نیستیم، انسانی که قادر است در عمل و در فکر مرتکب شرارت شود، و علیه خدا و هم‌نوعان خود و مخلوقات که تحت مراقبت ما قرار داده شده‌اند، گناه ورزد. ما اینچنین دعا می‌کنیم زیرا به خداوند خود عیسی مسیح توکل داریم که در باره خود اینگونه فرمود: «زیرا نیامده‌ام تا عادلان را بلکه گناهکاران را به توبه دعوت نمایم» (متی ۹: ۱۳). او خدمت علنی خود را با دعوت مردم به توبه آغاز کرد. می‌فرمود: «توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است» (متی ۴: ۱۷). او به آنانی که از او ایراد می‌گرفتند که چرا وقت خود را با گناهکاران صرف می‌کند، چنین پاسخ داد: «بر این منوال خوشی در آسمان رخ می‌نماید به سبب توبه یک گناهکار، بیشتر از برای نود و نه عادل که احتیاج به توبه ندارند» (لوقا ۱۵: ۷).

عیسی در مثل‌هایش تعلیم می‌داد که خدا انسان را همانگونه دوست می‌دارد که یک پدر یا مادر فرزندش را. محبت او دائمی است و هیچگاه از فروزش باز نمی‌ایستد، حتی زمانی که فرزند به راه خود می‌رود یا بر خلاف کلام و حکم این پدر آسمانی زندگی می‌کند.

عیسی در باره «پدر» سخن می‌گفت. او مردم را تک تک ترغیب می‌کرد تا بسوی «آن کسی» باز گردند که بردبار و پرگذشت است. عیسی با اقتدار و اختیار پدر، به گناهکاران وعده آموزش و مصالحه می‌داد، وعده حیاتی نوین. کلیسای او، یعنی جامعه برادران و خواهران عیسی، محل ملاقات اینگونه افراد است، محلی است که فرزندان گمگشته اما توبه‌کار، می‌توانند به آغوش «پدر» باز گردند و

شادی او را از بازگشت به خانه تجربه کنند.

یوحنا انجیل‌نگار همین رسالت کلیسا را در نظر داشت آنگاه که شرح داد که چگونه در شامگاه روز قیام، عیسی بر شاگردانش ظاهر شد و روح‌القدس را بر آنان دمید و به ایشان اختیار و اقتدار داد تا گناهان یکدیگر را ببخشند. متی نیز به همین خدمت مصالحه اشاره می‌کند آنگاه که فرمایش عیسی به پطرس را نقل می‌کند، همان پطرس که «آن صخره‌ای» است که عیسی کلیسایش را بر آن بنا می‌کند. عیسی به او فرمود: «آنچه بر زمین ببندی در آسمان بسته گردد و آنچه در زمین گشایی در آسمان گشاده شود» (متی ۱۶:۱۹).

در عمل، برای دریافت این آموزش گناهان که در اعتقادنامه اقرار می‌کنیم، می‌توانیم راز توبه (اعتراف) را به‌جا آوریم. هر فرد تعمیدیافته مجاز است راز مصالحه را از طریق خدمت کشیشی که اختیارات خود را رسماً از کلیسا کسب کرده، دریافت دارد. هر کسی که پس از تعمید، مرتکب گناهی جدی شود، باید پیش از آنکه بار دیگر مسیح را از طریق تناول قربان مقدس دریافت دارد، با خدا و با جامعه ایمانداران مصالحه کند. برای شخص گناهکار ضروری است که گناه خود را تصدیق کند و قاطعانه تصمیم بگیرد که راه زندگی خود را تغییر دهد. شخص همزمان با اعتراف به گناه خویش، باید آماده باشد تا به هر طریق ممکن خطای خود را جبران کند و توبه‌ای را که کشیش برای او مقرر می‌دارد، بپذیرد.

در دوره‌های بحرانی، زمانی که اعتراف شخصی و فردی میسر نیست، کشیش مجاز است که آموزش و مصالحه را به افراد به‌صورت گروهی ارزانی دارد (اعلام مغفرت عمومی). با اینحال، هر فرد کماکان موظف است اعتراف شخصی خود را در اولین فرصت، در حضور یک کشیش تجدید کند.

اعلام مغفرت:

خدا، پدر جمیع رحمت‌ها، به‌واسطه مرگ و قیام پسرش، جهان را با خود مصالحه داده است و روح‌القدس را به‌منظور آموزش گناهان به میان ما فرستاده است. از طریق خدمت کلیسا، باشد که خدا تو را آموزش و صلح عطا فرماید. و من به‌نام پدر و پسر و روح‌القدس، گناهانت را عفو می‌نمایم.

توبه: توبه یعنی روی گرداندن از گناه و تصمیم به در پیش گرفتن آغازی جدید. وقتی در باره راز توبه سخن می‌گوییم، بر قصد شخص گناهکار برای جبران خطایش تأکید می‌گذاریم. «اعتراف» نیز به اعتراف شخصی فرد به گناهش اشاره دارد. اصطلاح راز مصالحه نیز مورد استفاده می‌باشد.

آمزش: «اعتراف فردی و کامل به گناهان وخیم، و دریافت مغفرت متعاقب آن، تنها وسیله عادی برای مصالحه با خدا و با کلیسا باقی می ماند» (اصول اعتقادات کلیسای کاتولیک، بند ۱۴۹۷).

گناه: «گناهان بدرستی بر اساس وخامتشان سنجیده می شوند. تمایز میان گناهان مهلک و گناهان سبک که در کتاب مقدس مورد اشاره قرار گرفته، جزئی از سنت کلیسا گردید. تجربه بشری نیز آن را تأیید می کند» (اصول اعتقادات کلیسای کاتولیک، بند ۱۸۵۴).

«برای آنکه گناهی مهلک باشد، سه شرط باید همزمان وجود داشته باشد: "گناه مهلک" گناهی است که موضوعش بسیار جدی و وخیم باشد، و نیز ارتکابش با آگاهی کامل و تمایل عمدی صورت گیرد» (همان مأخذ، بند ۱۸۵۷).

«"گناه سبک" گناهی است که موضوعش از وخامت کمتری برخوردار است، و شخص معیار مقرر در احکام اخلاقی را رعایت نمی کند، یا از احکام اخلاقی در قضیه ای جدی و وخیم نافرمانی می کند، اما بدون آگاهی کامل و بدون تمایل عمدی» (همان مأخذ، بند ۱۸۶۲).

راز پنجم: تدهین بیماران

۶-۱۵: تدهین بیماران

وقتی انسان بر بستر بیماری می افتد، زندگی اش تغییر می کند. دیگر نمی تواند از خودش مراقبت کند و متکی به کمک و توجه دیگران خواهد بود. دیگر نمی تواند به دیدار دوستانش برود، بلکه باید منتظر باشد تا دیگران به ملاقات او بیایند. دیگر قادر به «انجام» کاری نخواهد بود. دیگر «ارزشی» در اجتماع ندارد. اغلب باید تنها باشد، و از اینرو دلسرد و نومید می شود.

عیسی هیچگاه از بیماران غافل نبود. او بسراغ ایشان می رفت و نشان می داد که خدا دوستشان دارد، و آنان را شفا می بخشید. از آنجا که کلیسای مسیح فقط جامعه ایمان نیست، بلکه جامعه زندگی نیز می باشد، هر فرد مسیحی باید به خاطر داشته باشد که افراد این جامعه، برادران و خواهران او هستند. عیادت از بیماران یکی از «کارهای ملموس رحمت» می باشد.

کلیسا از همان روزهای اولیه حیات خود، توجه خاصی به بیماران نشان می داد؛ کلام خدا می فرماید: «هر گاه کسی از شما بیمار باشد، کشیشان کلیسا را طلب کند تا برایش دعا نمایند و او را به

نام خداوند به روغن تدهین کنند. و دعای ایمان، مریض را شفا خواهد بخشید و خداوند او را خواهد بر خیزانید، و اگر گناه کرده باشد، از او آمرزیده خواهد شد» (یعقوب ۵: ۱۴-۱۵).

این راز امروزه نیز به همان صورت به جا آورده می شود. کشیش برای بیمار و همراه با او دعا می کند. آنگاه پیشانی و دست او را با روغن مقدس تدهین می کند.

کشیش می گوید:

«باشد که از طریق این تدهین مقدس، خداوند در محبت و رحمت خود، تو را با فیض روح القدس مدد نماید. باشد خداوندی که تو را از گناه آزاد می سازد، تو را نجات بخشد و بر خیزاند.»

بیمار پس از تدهین، می تواند قربان مقدس را دریافت دارد که در مورد محتضرن، **Viaticum** نامیده می شود، یعنی «خوراک سفر».

آنان که زندگی خود را به عیسی مسیح سپرده اند، می توانند مطمئن باشند که حتی در بیماری و در آستانه مرگ نیز شراکت خود را با او از دست نخواهند داد. مسیحیان باید به خداوندشان اعتماد کنند، چرا که او می داند رنج چیست. از اینرو، می توانند از او طلب کمک کنند. ایشان می توانند - برای حیات این جهان - رنجهای خود را با رنجهای او متحد سازند.

احدی از ما به خود زیست نمی کند

و هیچ کس به خود نمی میرد.

زیرا اگر زیست کنیم برای خداوند زیست می کنیم،

و اگر بمیریم، برای خداوند می میریم.

پس خواه زنده باشیم، خواه بمیریم، از آن خداوندیم.

رساله پولس قدیس به رومیان ۷: ۱۴-۸

راز تدهین بیماران را می توان در بیمارستان یا در کلیسا، به چند نفر به طور همزمان عرضه داشت. اگر شخصی بیماری اش برای مدتی طولانی به درازا بینجامد، یا بدتر شود، می تواند این راز را بیش از یک بار دریافت دارد.

راز ششم: مناصب مقدس

کلیسای عیسی مسیح جامعه‌ای ستایشی و تمجیدی است، جامعه‌ی زندگی کردن و سهیم شدن با یکدیگر؛ جامعه‌ی آنانی است که به‌واسطه‌ی خداوند عیسی مسیح با خدا مصالحه کرده‌اند. هر فردِ تعمیدیافته و تأییدشده سهمی در کهنات مسیح دارد. این را «کهنات عام» می‌نامیم. این بدان معناست که هر یک از ما، بر طبق دعوت خاص خودش، در رسالت کهناتی عیسی مسیح سهمی دارد. هر فرد مسیحی شاهدهی است بر مسیح.

حضرت پطرس در رساله اول خود (اول پطرس ۹:۲)، به جامعه‌ای که تحت آزار بود، مقام رفیعش را اینچنین یادآوری می‌کند: «شما قبیله‌ی برگزیده و کهنات ملوکانه و امت مقدس و قومی که ملک خاص خدا باشد هستید، تا فضایل او را که شما را از ظلمت به نور عجیب خود خوانده است، اعلام نمایید.»

کلیسا که قوم خدا در این جهان می‌باشد، در میان ملت‌های گوناگون زندگی می‌کند. این جامعه‌ی ایمانداران نیاز به سخنگویانی دارد، یعنی مردانی که به‌واسطه‌ی اقتدار عیسی مسیح فرا خوانده شده‌اند تا در محبت او، وحدت کلیسا را حفظ کنند و بر خلوص و اصالت «ایمان» نظارت داشته باشند. خدمت مقدس کلیسا شامل سه منصب می‌شود: اسقفان، کشیشان و شماسان. ایشان در خدمت کهناتی عیسی مسیح شراکت دارند؛ خدمت ایشان ریشه در مسیح دارد؛ ایشان نمایندگان کلیسا هستند. این خادمین از میان جامعه‌ی مقدسین انتخاب، و برای خدمت به این جامعه تعیین شده‌اند. به همین منظور، ایشان برای خدمتشان منصوب (وقف یا دستگذاری) می‌شوند.

اسقف سرپرست بخشی از کلیساست که «حوزه اسقفی» نامیده می‌شود. او در این حوزه، مسؤولیت دارد که مراقب باشد پیام انجیل موعظه شود، و راز سپاسگزاری به‌جا آورده شود، و از فقرا دستگیری به‌عمل آید. اسقفان در مقام جانشینان رسولان، در خصوص انتصاب افراد به مناصب کلیسایی تصمیم‌گیری می‌کنند؛ شماسان و کشیشان را ایشان منصوب می‌نمایند. اسقف اول در میان اسقفان، پاپ اسقف روم می‌باشد. او جانشین پطرس قدیس است که خداوند قیام کرده سرپرستی از گله را به او سپرد (یوحنا ۲۱:۱۵-۱۷).

همانگونه که پطرس که از سوی خداوندمان به‌عنوان رسول اول مقرر شد، با سایر رسولان متحد ماند، به همان شکل، پاپ در مقام جانشین پطرس، و سایر اسقفان در مقام جانشینان رسولان، با یکدیگر متحد می‌باشند. پاپ در مقام نماینده عیسی مسیح و شبان کل کلیسا، ضامن و بنیاد اتحاد کلیساست. مجمع اسقفان فقط در اتحاد با پاپ، اسقف روم، می‌توانند اختیارات خود را اعمال کنند.

پاپ بعضی از اسقفان را به مقام مشاوران (کاردینال‌های) خود منصوب می‌دارد؛ ایشان مستقیماً به پاپ خدمت می‌کنند. اسقفان را پاپ منصوب می‌دارد. آنان انتصاب و اختیار خود را به واسطهٔ تدهین و دعا و دستگذاری یک اسقف دیگر کسب می‌کنند.

هر گاه که لازم باشد مشکلی حل شود که تمام کلیسا را تحت تأثیر قرار داده است، پاپ تمام اسقفان را در یک مجمع گرد هم می‌آورد. مجمع تمام اسقفان را «شورا» می‌خوانیم. در طول تاریخ کلیسا، ۲۱ شورا از این دست تشکیل یافته است. تصمیمات ایشان برای تمام کلیسا لازم‌الاجرا است. آخرین شورا در طول سالهای ۱۹۶۲-۱۹۶۵ در واتیکان تشکیل شد. این شورا را «شورای دوم واتیکان» می‌نامند.

کشیشان را اسقف به منصب خود منصوب می‌دارد. ایشان با اختیار و اقتدار عیسی، بر جماعت مؤمنین نظارت دارند و آن را رهبری می‌نمایند. ایشان انجیل را موعظه و تشریح می‌کنند، و آیین «سپاسگزاری» را برگزار می‌کنند، و رازها را به‌جا می‌آورند

اسقف به‌هنگام انتصاب یک کشیش، او را با روغن مقدس تدهین می‌کند و نخستین کسی است که بر او دست می‌گذارد، و پس از او سایر کشیشان حاضر بر او دست می‌گذارند. کشیشانی که تازه منصوب شده‌اند، در مورد اطاعت از اسقف تعهدی جدی می‌دهند.

شماسان نیز که خدمتشان کمک به کشیشان است، از سوی اسقف به این منصب منصوب می‌شوند و به این شکل، در خدمت به جماعت مؤمنین ایفای نقش می‌کنند.

این سه خدمت بنیادی در کلیسا (یعنی خدمات شماسی و کشیشی و اسقفی) از تاریخی طولانی برخوردار است که مستقیماً به زمان رسولان باز می‌گردد. عیسی آن دوازده تن را از جماعت شاگردانش برگزید و به‌عنوان شاهدان خود تعیین فرمود. او خودش ایشان را گسیل داشت تا انجیل را موعظه کنند، و با انجام معجزات، نشان دهند که ملکوت خدا نزدیک است، و تعمید دهند، و قوم جدید خدا را از تمام نقاط جهان گرد آورند. بعد از روز پنطیکاست، ایشان با قوت روح‌القدس، شروع به موعظه انجیل نمودند، نخست در اورشلیم، سپس در مناطق اطراف، و سرانجام در تمام سرزمینها، تا به دورترین نقاط جهان. آنها هر که را که ایمان می‌آورد تعمید می‌دادند، و بر ایشان دست می‌گذارند تا روح‌القدس را دریافت دارند، و جماعت‌ها یا کلیساهای محلی تأسیس می‌کردند. آنان برای رهبری این جماعات، «رهبران» تعیین می‌کردند و خدمت خود را از طریق دعا و دستگذاری به ایشان منتقل می‌کردند. به این شکل بود که ایشان خادمین جدید را به خدمت خدا فرا می‌خواندند.

روزی در کلیسای اورشلیم مشکلی پیش آمد، چرا که بیوه‌زنان یهودی یونانی‌زبان که به مسیحیت گرویده بودند، مورد بی‌توجهی قرار می‌گرفتند. لذا رسولان افرادی را تعیین کردند تا در این

جنبه از خدمت، ایشان را یاری دهند. حضرت لوقا در کتاب اعمال، فصل ۶ شرح می‌دهد که شش شماس انتخاب شدند و رسولان بر ایشان دست گذاردند.

برای کسانی که در کلیسا عهده‌دار خدمتی می‌شوند، معیار کاملاً متفاوتی از آنچه در دنیای ما معمول است، حاکم می‌باشد. برای این خدمت، تحصیلات و دانش و پیشینه مهم نیست. آنچه مهم است، ایمانشان به خداست، و رابطه‌شان با مسیح و محبتشان به هموعان، خصوصاً به تنگدستان. زیرا هیچکس نمی‌تواند شاهد زنده‌ای برای مسیح گردد، شاهدهی که هموعانش محبت خدا را در او ببینند، مگر آنکه به این فرمایش عیسی دل بسپارد که فرمود: «هر که می‌خواهد در میان شما بزرگ شود، خادم شما باشد. و هر که خواهد مقدم بر شما شود، غلام همه باشد» (مرقس ۱۰: ۴۳-۴۴).

ما دعا کرده، می‌گوییم:

«خداوند، کلیسایت را در سراسر جهان به یاد آور؛ عطا فرما که با یکدیگر در محبت تو رشد کنیم، با یکدیگر همراه با پاپ، اسقفمان، با کشیشان و شماسان، و تمام کسانی که خوانده شده‌اند تا تو را در کلیسا خدمت کنند.»
(ر.ش. دعای دوم سپاسگزاری)

اسقف (به یونانی **episkopos**، یعنی ناظر): اسقفان در اتحاد با پاپ، بر کلیسا نظارت دارند و آن را رهبری می‌کند، و مراقبند که خبر خوش عیسی مسیح به کامل‌ترین وجهی موعظه شود. منصب اسقفی فقط مختص مردان است، و ایشان مانند کشیشان، باید مجرد زندگی کنند.

کشیش (به یونانی **presbyteros**، یعنی شیخ یا پیر): هم کلیسای ارتودکس و هم کاتولیک، بر این باورند که اراده مسیح این است که فقط مردها باید به این منصب گمارده شوند. در کلیسای ما، کشیشان باید مجرد بمانند. «به واسطه راز مناصب مقدس... (کشیشان) وقف می‌شوند تا انجیل را موعظه کنند و مؤمنین را شبانی نمایند و نیز آیینهای عبادی را به‌جا آورند...» (شورای دوم واتیکان، اساسنامه کلیسا، بند ۲۸).

شماس (به یونانی **diakonos**، یعنی خادم): مردان متأهل نیز می‌توانند به منصب شماسی گمارده شوند. شماسان اجازه ندارند راز سپاسگزاری را به‌جا آرند یا گناهان را در راز

مصالحه بیمارزند. وظیفه ایشان خدمت به فقرا در جامعه، و کمک در آیین قربانی مقدس (Mass) و پشتیبانی از کشیش می‌باشد.

راز هفتم: ازدواج

۸-۱۵: راز ازدواج

کودک در خانواده به دنیا می‌آید. چهره پدر و مادر نخستین چیزی است که می‌بیند، و لبخند ایشان سرآغاز هشیاری و خودآگاهی اوست. با گرفتن دست پدر و مادر، اعتماد را در محبت می‌آموزد. آن دسته از کودکانی که در آغاز زندگی‌شان از این تجربه سازنده محروم می‌شوند، در بزرگسالی اغلب به دشواری می‌توانند به دیگران اعتماد کنند، و محبت را باور نمایند و آن را بپذیرند.

انسان با محبت کردن، به خویشتن واقعی خود دست می‌یابد، زیرا خدا که خودش «محبت» است، انسان را به شباهت خود آفریده است، هم مرد را و هم زن را (پیدایش ۱: ۲۷). وقتی مرد و زنی با هم ملاقات می‌کنند و میانشان عشق بوجود می‌آید و می‌خواهند که زندگی‌شان را در کنار هم سپری کنند، عهد می‌کنند که در تمام روزهای زندگی خود، نسبت به یکدیگر وفادار بمانند. آنها راز ازدواج را به یکدیگر ارزانی می‌دارند. و از آنجا که این امر فقط مربوط به عشق میان خودشان نمی‌شود، بلکه محبت خدا نیز در آن دخیل است، این عهد خود را به‌طور علنی در حضور کشیش که نماینده کلیساست، و دو شاهد دیگر منعقد می‌سازند. عهد ایشان با این واقعیت مَهر می‌شود که آن دو خویشتن را به یکدیگر تقدیم می‌کنند، و بدینسان «یک تن و یک روح» می‌گردند و از این طریق، کمال و سعادت را می‌یابند. اکنون از اتحاد ایشان، زندگی نوینی می‌تواند سر بر آورد: شوهر و زن تبدیل به پدر و مادر می‌گردند. به این ترتیب، زندگی‌شان گسترش می‌یابد. هر کودکی هدیه‌ای است از خدا، اما در عین حال مسؤولیتی است مقدس. بنابراین بجاست که هم شوهر و هم زن، برکت خدا را در همان آغاز زندگی مشترکشان بطلبند.

ازدواج عهدی است دائمی برای تمام عمر. عیسی فرمود: «آنچه خدا پیوست، انسان آن را جدا نکند» (مرقس ۱۰: ۹). این حکم برای بسیاری دشوار است، زیرا تضمینی برای موفقیت زندگی مشترک وجود ندارد؛ فرد ممکن است در مورد طرف مقابل خود دچار اشتباه شود. بیماری و خصومت ممکن است عشق را خفه کند. امکان دارد که دو نفر که زمانی یکدیگر را دوست داشتند، دیگر با هم تفاهم نداشته باشند و نتوانند با هم ارتباط برقرار کنند. ممکن است با هم احساس بیگانگی کنند. در اینصورت، ازدواج دچار شکست می‌شود.

اما حتی در چنین شرایطی، مسیحیان باید یقین بدانند که محبت خدا و کلیسا ترکشان نخواهد گفت.
عهد ازدواج:

من تو را، ... به عنوان همسر (یا شوهر) قانونی خود اختیار می‌کنم، تا از این روز به بعد در شرایط بد یا خوب، در غنا یا فقر، در بیماری یا تندرستی، به تو مهر بورزم و عزیزت بدارم، تا مرگ ما را از هم جدا کند.

راز ازدواج:

«اتحاد، جدایی‌ناپذیری، و باز بودن به روی باروری، برای ازدواج اساسی است. چندهمسری با وحدت ازدواج سازگار نیست؛ طلاق باعث جدایی آن چیزی است که خدا به هم پیوند داده است؛ خودداری از باروری، زندگی زناشویی را از «عطیه‌اعلای» آن، یعنی فرزند، منحرف می‌سازد»
(اصول اعتقادات کلیسای کاتولیک، بند ۱۹۶۴).